فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره سیزدهم (زمستان۱۴۰۱)

تبیین مقاصد تربیت اخلاقی در مناجات خمسه عشر[۱]

(تاریخ ارسال ۱۴۰۱/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۲۰)

وحید پرویزی

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

چکیده

تربیت اخلاقی ثمره و میوه شیرین یا تلخ تربیت است. این شرینی یا تلخی از سویی بسته به مبنا و آبشخور افعال تربیتی، و از سویی دیگر مربوط به اهداف و مقاصد ترسیم شده در آن نوع تربیت است. از این رو هدف مقاله حاضر بررسی مقاصد تربیت اخلاقی از منظر امام سجاد علیه السلام در مناجات خمسه عشر است؛ مناجات خمسه عشر از مناجات های عارفانه، عاشقانه و در عین حال جذاب، کوتاه و جهت بخش است که با روش تحلیلی و توصیفی پس از تبیین به مبانی انسان شناختی از منظر این مناجات، به بازنمود مقاصد تربیت اخلاقی در سه بخش بینشی، گرایشی و رفتاری پرداختیم؛ در بخش بینشی به معرفت الهی؛ در بخش گرایشی به زدودن شک و تردید قلبی و رسیدن به اطمینان قلبی، شرح صدر یافتن، تصفیه قلب از محبت دنیا، رویت، نظر و ملاقات قلبی با خدا، لذت بردن از مناجات با خدا، عاشق و محب خدا شدن؛ در بخش رفتاری به دست کشیدن از معاصی، پوشاندن عیوب دیگران، بیان و انتشار نعمت ها، شکرگزاری، سرعت گرفتن در اعمال خیر، یاد خدا بودن و ذکر خداوند را بر لب داشتن، دست یافتیم.

واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، مقاصد تربیت اخلاقی، مناجات خمسه عشر

---

[۱] بر اساس نظر اعضای هیات علمی موسسه قانون یار این مقاله به عنوان یکی از ده مقاله برتر **پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام** که توسط بنیاد علمی قانون یار در سال ۱۴۰۱ در استان کرمانشاه در گستره ملی برگزار گردید انتخاب شد.

مقدمه

تربیت اخلاقی میوه و محصول یک مکتب تربیتی است، برای اصالت و اعتبار و جایگاه یک مکتب تربیتی بیش از همه باید به پیامدهای تربیت اخلاقی آن مکتب نگاه کرد. آن سرچشمه اصلی که انسان را تعالی میبخشد یا او را به انحطاط میکشاند، جهت دهی های اخلاقی است. مقداد یالجن به نقل از پستالوزی در اهمیت تربیت اخلاقی تاثیر تربیت اخلاقی را در نسبت به گونه های دیگر تربیت بی مانند قلمداد نموده است، و به نقل از آلکسی کارل انحطاط اخلاقی را زیانبار تر از انحطاط عقلانی بیان نموده است(رفیعی، ۱۳۹۵، ۳۴) کانت ارجمندی انسان را منوط به اخلاق او دانسته و ضمن تأکید بر تقدس قانون اخلاقی، تربیت اخلاقی را آخرین و عالیترین سطح تربیت میداند» (شکوهی، ۱۳۷۴، ۷۲) این جمله پیامبر اکرم ص که من مبعوث شدم تا کرامت ها و فضائل اخلاقی را تمام و کامل کنم(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۸، ۳۸۲)، به خوبی اهمیت و ارزش تربیت اخلاقی را دیدگاه اسلام روشن میسازد. در مناجات خائفین از مناجات خمس عشر محصول تربیت اخلاقی را روشنی چشم و آرامش جان ذکر میکند: و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده و به قرب و جوارت اختصاص دادهای تا به این سبب چشمم روشن و جانم آرام گیرد؟ بنابراین تربیت اخلاقی و بنیاد ها و اهداف و مقاصد آن از مهم ترین جنبه های علمی و عملی انسان امروز است. و از طرفی با توجه به نیازمندی قطعی انسان در فهم مسیری که به سعادت حقیقی و به هدف واقعی از خلقت خویش ختم میگردد، به هدایت افرادی الهی که هم از عصمت برخوردار بوده و هم خودشان اول و کاملتر از دیگران مسیر را طی نموده اند، جهت دریافت مقاصد تربیت اخلاقی به مناجات خمس عشر که از منسوب به امام سجادع است مراجعه نمودیم، و به شیوه توصیفی و تحلیلی به جمع آوری داده ها با استفاده از منابع کتابخانهای و الکترونیکی نمودم وسپس به تحلیل و نظم بخشی و نتیجه گیری نمودیم.

بخش اول: مفهوم شناسی

بند اول: تربیت

تربیت، لغتی عربی و از ماده ای رَبَتَ(ابن منظور، ج ۲، ص ۳۳) یا رَبَیَ(صاحب، ج ۱۰، ص ۲۷۶) یا رَبَوَ(مصطفوی، ج ۴، ص ۴۰) و یا رَبَبَ(راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۳۳۶) است که در فارسی پرکاربردترین معادل برای آن، پروراندن و پرورش دادن است. در قرآن کریم در دو مورد واژه تربیت بکار رفته است یکی با صیغه تثنیه: وَ اخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُما کَما رَبَّیانی صَغیراً (الاسراء ۲۴) و دیگری با صیغه متکلم مع الغیر قالَ أَ لَمْ نُرَبِّکَ فینا وَلیداً وَ لَبِثْتَ فینا مِنْ عُمُرِکَ سِنینَ (۱۸) که با بررسی بافت و سیاق این دو آیه میتوان نتیجه گرفت که تربیت در قرآن کریم به معنای مراقبت و پرورش جسمی و به تعبیر دیگر به معنای بزرگ کردن کودک استعمال شده است. (باقری، ۱۳۸۹، ۱، ۱۰۱) اما از نظر اصطلاحی تعریف واحدی از تربیت وجود ندارد و مربیان و فیلسوفان تربیت هر یک با توجه به رویکرد فلسفی خود به هستی، خدا، جها ن، انسان، معرفت؛ تربیت را متناسب با نگرش و خواست خود تعریف کرده اند(رفیعی، ۱۳۹۵، ۱۲) مثلا جان دیویی تربیت را دوباره سازمان دادن یا دوباره ساختن تجربه به منظورگسترش معنای تجربه و بهتر قادر ساختن فرد بر هدایت و کنترل تجربیات بعدی میداند. (شریعتمداری، ۱۳۷۵، ۹۱) روسو تربیت را پروراندن و شکوفاندن تواناییهای سرشتی و نهادی انسان میداند. (نقیب زاده، ۱۳۸۸، ۱۲۷) ابن سینا تربیت را برابر با ایجاد عادت های مطلوب در متربی جهت رساندن او به کمال ذاتی اش قلمداد نموده است. (رفیعی، ۱۳۹۲، ۴۱) و نویسندگان سند تحول بنیادین با توامان قلمداد کردن تعلیم و تربیت، تعریفی فرآیندی از تربیت ارائه میدهد: فرآیندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق اگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته ایشان را در

راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می آورد. (سند تحول بنیادین اموزش و پرورش، ص ۱۰) نگارنده بر این باور است تربیت عبارت است از هر اقدام، اتفاق و عملی که منجر به تاثیری مطلوب در بینش، گرایش و یا رفتار فرد گردد.

بند دوم: اخلاق

اخلاق جمع واژه خُلْق یا خُلُق به معنای ویژگیها و سجایای نفسانی و درونی انسان است؛ واژه های خَلْق و خُلْق در اصل یکی است ولی کلمه خَلْق مخصوص اشکال و اجسام و صورتهائی است که با حواس درک می‌شود و خُلْق ویژه قوا و سجایائی است که با فطرت و دیدِ دل درک می‌شود.)مصطفوی، ج ۱، ص ۲۹۷) همانگونه که در فارسی سیرت به معنای خُلْق و صورت به معنای خَلْق بکار میرود. بنابراین اخلاق یعنی صفات و ویژگیهای باطنی انسان(داودی، ۱۳۹۰، ۷) قرآن کریم در وصف پیامبر اکرم ص وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ [القلم: ۴] حدیث نبوی إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَکَارِمَ الْأَخْلَاق(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۸، ۳۸۲) نیز در همین معنای پرورش ویژگیهای نفسانی و باطنی بکار رفته است. اما اخلاق در اصطلاح نیز مانند تربیت دارای تعاریف متعددی است که هر اندیشمند متناسب با فهم و برداشت خود ارائه نموده است، مثلا خواجه نصیر علم اخلاق را علم به صفات خوب و بد جهت اکتساب ارادی خوبیها و فضائل میداند. (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳، ۱۵) و علامه مصباح یزدی علم اخلاق را علم به انواع صفتهای خوب و بد، صفتهایی که با افعال اختیاری انسان ارتباط دارند، و کیفیت اکتساب صفتهای خوب و دور کردن صفتهای بد مینامد. (مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ۱۰)

بند سوم: تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی به معنای آموزش اصول و ارشهای اخلاقی و پرورش گرایشها و فضیلتهای اخلاقی است. (داودی، ۱۳۹۰، ۱۱) تربیت اخلاقی سه جنبه دارد: جنبه

عقلانی، جنبه التزامی و جنبه عملی؛ جنبه عقلانی این است که فرد به لحاظ فکری وعقلانی بتواند درک کند چه کاری بد است و چه کاری خوب است. جنبه دوم این است که فرد بتواند به این اصول و قواعد اخلاقی ملتزم شود. و جنبه سوم این است که فرد بتواند این التزام را در اعمال درونی و بیرونی خودش مراعات کند. (باقری، ۱۳۷۹، ۹) نگارنده معتقد است که تربیت اخلاقی به عنوان یکی از ساحت ها تربیتی عبارت است از پرورش و تعالی بخشی به ویژگیهای نفسانی و رفتاری، و زدودن و پیراستن از زشتیهای رفتاری.

بند چهارم: مقصد یا هدف تربیتی

منظور از مقصد همان نتیجه، هدف و غایت است که در تربیت عبارت است از: وضع نهایی و مطلوبی که شایسته سودمند تشخیص داده شده و برای رسدن به آن فعالیت مناسب تربیتی انجام میگیرد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۶، ۵) بنابراین مقصد تربیت اخلاقی یعنی وضع مطلوب اخلاقی که برای تحقق آن در خود و متربی باید برنامه ریزی نموده و تلاش کرد. در مقاله حاضر مقاصد تربیت اخلاقی به سه دسته بینشی(اهداف مربوط به حوزه معرفت، اندیشه) گرایشی (اهداف مربوط به بعد میل قلبی و عاطفه و احساس) و رفتاری(اهداف مربوط به اعمال جوارحی و ظاهری) تقسیم و ارائه میشود.

بند پنجم: مناجات خمس عشر

مناجات پانزده گانه از دعاهای منسوب به امام سجاد (علیه السلام) است که در منابعی همچون الصحیفه الثانیه السجادیه، بحار الانوار (ج۹۱، باب ۳۲ ادعیه المناجات، ص: ۱۴۲) و مفاتیح الجنان(ص: ۱۱۸) ذکر شده است، مضمون کلی این دعاها مفاهیم متعالی عرفانی و اخلاقی است و اگرچه از نظر سندی به اصطلاحِ علم درایه، مُرسل است، اما اتقان محتوایی، مفاهیم بلند و عمیق عرفانی، اخلاقی و عاشقانه آن، و ارتباط دقیق معرفتی با قرآن کریم و سایر ادعیه این ضعف سند را

کـاملا جبـران میکنـد و اتفاقـا انتخـاب نگارنـده جهـت بررسـی علمـی ایـن مجموعـه دعاهـای کوتـاه امـا بسـیار متعـالی نیـز برخواسـته از انـس و ارتبـاط قلبـی و معرفتـی بـا آنها و اطمینان در مفید بودن تحلیل و تبیین مفاد آنها برای دیگران بوده است.

بخش دوم: مبانی انسان شناختی

بند اول: نیازمندی همه جانبه و مداوم انسان به عنایت الهی

انسـان نیازمنـد محـض اسـت یـا أَیُّهَـا النَّـاسُ أَنْـتُمُ الْفُقَـراءُ إِلَـی اللَّـهِ وَ اللَّـهُ هُـوَ الْغَنِـیُّ الْحَمِیـد) [1]فـاطر۱۵(یعنـی دراصـل وجـود و هسـتی خـویش؛ در بقـاء و مانـدگاری؛ و در رشد و تکامل؛ در حرکـت در مسـیر سـعادت حقیقـی؛ در رسـیدن بـه روشـنایی حقیقـی؛ در کسـب و انتفـاء علمـی؛ در دفـع خطـرات ارضـی و سـماوی؛ و در دفـع خطـورات نفسانی و شیطانی همه و همـه نیازمنـدِ بـی نیـاز مطلـق اللَّـهُ الصَّـمَد[2](اخـلاص ۲) اسـت؛ یعنـی بـا قـدرت دهـی خداونـد قدرتمنداسـت و بـا عصـمت بخشـی و محافظـت خداونـد میتواند نجات یابـد. ایـن نیـاز هـم تکـوینی اسـت و هـم تشـریعی؛ از ایـن رو انسـان بایـد مدام علاوه بر اقرار به وجود این نیـاز، از خداونـد متعـالی نیـز بـرای همـه امـور زنـدگی و از جمله مهمترین آنها یعنی پـرورش اخلاقـی و مـزین شـدن بـه اخـلاق الهـی از خداونـد متعـالی طلـب کمـک و یـاری نمایـد. امـام سـجاد (علیـه السـلام) بـه ایـن نیـاز حقیقـی مربـی را بسـیار زیـاد متـذکر و هشـیار مینمایـد: خـدایا هـیچ قـوه و قـدرتی بـرای مـن نیست مگر قدرتی که تـو عنایـت کنـی و هـیچ راه فـراری بـرای مـن از گرفتاریهـای دنیـا وجود ندارد مگر اینکه تو محافظت نمایی و عصمت بخشی منی. (قمی، ۱۱۹)

---

[1] ای مردم! شمایید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی‌نیاز و ستوده است

[2] خداوند بی نیاز از همه چیز و همه کَس است.

بند دوم: حیات و ممات حقیقی انسان

حیات، سرزندگی، نشاط و شادابی، پویایی و بالندگی، عمران و آبادانی حقیقی انسان در گرو ارتباط قلبی، زبانی و عملی با خداوند متعالی و اطاعت و بندگی مخلصانه اوست. و مرگ، نابودی، هلاکت، خسران، بی نشاطی و ناامیدی حقیقی انسان در خدا فراموشی و معصیت الهی است. این فهم از انسان جهت بخش و هدایتگر انسان در روابط چهارگانه خویش(رابطه انسان با خالق، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگر انسانها، رابطه انسان با طبیعت و حیوانات) است. این مبنا از مهمترین و توحیدی ترین مبانی انسان شناختی است که در موارد متعدد در متون دینی ما بکار رفته است. در قرآن کریم حیات طیبه را نماد حیات حقیقی معرفی مینماید: مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُون[1]) النحل ۹۷) در نهج البلاغه نیز زنده بودن حقیقی را مربوط به جان در بدن داشتن وقدرت بر راه رفتن وتکلم و. . نمیداند: صورت صورت انسان است، و قلب قلب حیوان. آگاه به راه هدایت نیست تا از آن پیروی کند، و آشنای به مسیر گمراهی نیست تا از آن دست بردارد. این چنین آدمی مرده‌ای است در میان زنده‌ها. (نهج البلاغه، خطبه متقین) و در صلوات شعبانیه نیز بر این مهم اشاره شده است: خدایا درود فرست بر محمد و آلش و قلب مرا به طاعتت عمران و آبادی ببخش و مرا به عصیان خود رسوا و خوار مگردان. (قمی، صلوات شعبانیه، ۱۵۶)از این رو امام سجاد علیه السلام مربی را نسبت به حیات حقیقی انسان متنبه میکند: بزرگی جنایتم دلم را میرانده، پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن(قمی، مناجات التائبین، ۱۱۸)

بند سوم: انسان و نفس امّاره

یکی از زیباییهای مناجات خمس عشر تبیینی زیبا از واقعیت انسان و امکانات و موانع اوست. از همین رو امام سجاد (علیه السلام) مرتبا انسان را نسبت به حقیقت

[1] از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، می‌دهیم

وجـودی خـویش و موانـع مـزاحم در مسـیر رشـد و تکامـل او هشـیار میکنـد، و ایـن آگـاهی بخشـی امـام، باعـث بینـایی و بیـداری و جبهـه گیـری صـحیح و سـریع خواننـده دعاها میشود. در نگاه دقیق امـام سـجاد (علیـه السـلام) بـه واقعیـت انسـان، دو مـزاحم و دو دشـمن قطعـی و جـدی و همیشـه حاضـر در صـحنه بـرای انسـان وجـود دارد کـه مرتبا و با برنامـه هـای متنـوع، در پـی راه زنـی و منحـرف کـردن او از مسـیر و بـی آبـرو کـردن انسـان انـد. و آن دو عبارتنـد از نفـس امّـاره و شـیطان. در دیـدگاه امـام انسـان همیشه همراه با دو راهـزن جـدی اسـت، همـانطور کـه همیشـه دو یـار جـدایی ناپـذیر او را یاری میدهند: فطرت الهی انسان و عقل خداداد انسان.

بخش سوم: ویژگیهای نفس اماره

در متن مناجـات الشـاکین دشـمن سرسـخت انسـان یعنـی نفـس امـاره و برنامـه هـای او جهـت نقـش بـر زمـین نمـودن انسـان، اینگونـه بیـان شـده اسـت: بسـیار زیـاد امـر بـه زشتیها و پستیها میکنـد؛ بـه سـمت گناهـان و خطاهـا سـرعت مـی ورزد؛ ولـع و تشـنگی زیـادی نسـبت بـه انجـام معاصـی و گناهـان دارد؛ بیمارهای(شـهوت جنسـی، قـدرت طلبـی، خودخـواهی، حسـادت و. . .) زیـادی دارد؛ مرتبـا انسـان را در معـرض خشـم و غضب الهی قرار میدهـد؛ انسـان را در مسـیر زشـت تـرین نـوع هلاکـت هـا قـرار میدهـد؛ دارای آروزهـای طـولانی و متعـدد اسـت؛ اگـر در مصـیبت، سـختی یـا گرفتـاری قـرار گیرد، بی تابی و بی صبری میکند؛ اگـر مـال و ثـروت و یـا امتیـاز و نعمتـی بـه او رسـید، آن را از دیگـران منـع میکننـد و بـه دیگـران کمـک نمیکنـد؛ بـه بـازی و سـرگرمی و بازماندن از کار مهم تر، بسـیار مایـل اسـت؛ سرشـار از غفلـت و اشـتباه اسـت؛ بـه سـرعت انسان را به گناه میاندازد؛ مرتبا توبه و بازگشت به مسیر الهی را عقب می اندازد.

بخش چهارم: انسان و شیطان

پشیطان دشمن قطعی: إِنَّ الشَّیْطانَ لَکُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّما یَدْعُوا حِزْبَهُ لِیَکُونُوا مِنْ أَصْحابِ السَّعیر) [۱]فاطر۶) وآشکار: وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبین[۲](بقره۱۶۸) و قسم خورده انسان: قالَ فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعینَ[۳](ص۸۲) و مانع و مزاحمی مهم بر سر راه رشد و پرورش اخلاقی انسان: لَأَحْتَنِکَنَّ ذُرِّیَّتَهُ إِلاَّ قَلیلا)[۴]الإسراء۶۲(و در عین حال مخفی و مستور از دید ظاهری انسان: إِنَّهُ یَراکُمْ هُوَ وَ قَبیلُهُ مِنْ حَیْثُ لا تَرَوْنَهُمْ[۵])الأعراف۲۷) است. برخی اندیشمندان نفس امّاره را دشمن درونی و شیطان را دشمن بیرونی نامیده اند(مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱۷۱) اما واقعیت این است که اگرچه حتما برخی از مصادیق شیطان بیرونی و از جنیان و انسان ها هستند: مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذی یُوَسْوِسُ فی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ[۶] (۴، ۵، ۶ ناس) اما این مصادیق به تعبیر قرآن اصحاب، اولیاء و قبیله شیطان هستند؛ و واقعبت شیطان در نظر امام سجاد یک دشمن درونی است مثل نفس اماره. از این رو در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه (دعای والدین برای فرزندان) شیطان را حاضر در سینه و در رگ و خون انسان جاری میداند: و برای ما دشمنی آفریده‌ای که ما را می‌فریبد و نیرنگ می‌دهد، و او را بر ما چیره گردانیده‌ای و ما را بر او چنان چیرگی‌ای ندادی [که بر او پیروز شویم]. او را در سینه‌های ما جای داده، در رهگذر خونِ ما روان ساخته‌ای. بدین جهت امام (علیه السلام) با بیان طرح و برنامه های شیطان مربی را

---

[۱] بی‌تردید شیطان، دشمن شماست، پس او را دشمن خود بگیرید. [او] گروهش را فقط [به این سبب به فسق و فجور] دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان گردند.

[۲] و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است.

[۳] به عزتت سوگند همه آنها را گمراه خواهم کرد

[۴] بی‌تردید فرزندانش را جز اندکی لجام می‌زنم [و به دنبال خود به عرصه هلاکت و نابودی می‌کشم.]

[۵] او و دار و دسته‌اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی‌بینید می‌بینند

[۶] از زیان وسوسه‌گر کمین گرفته و پنهان، (۴) آنکه همواره در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند (۵) از جنّیان و آدمیان. (۶)

نسبت این مانع بزرگ تربیتی بیدار میکند و او را متوجه میکند که برای خنثی سازی حملات شیطانی باید از قبل آمادگیهایی را ایجاد کرد.

بند اول: ویژگی های شیطان

امام در مناجات الشاکین به چند ویژگی و برنامه کلی شیطان اشاره میکنند: خدایا به تو شکایت میکنم از دشمنی که مرتبا من را گمراه میکند، همان شیطانی که همیشه مرا مبفریبد، و سینه ام را سرشار از وسوسه میکند، خطورات و نیرنگهایش قلبم را احاطه کرده است، هوای نفسانی ام را نیرو میبخشد، محبت به دنیا را برای زیبا جلوه میدهد و بین من و بندگی و عبادت و تقرب الهی فاصله ایجاد میکند. (قمی، ص: ۱۱۹) برخی از ویژگیهای شیطان در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه اینگونه بیان شده است: و برای ما دشمنی آفریده‌ای که ما را می‌فریبد و نیرنگ می‌دهد، و او را بر ما چیره گردانیده‌ای و ما را بر او چنان چیرگی‌ای ندادی [که بر او پیروز شویم]. او را در سینه‌های ما جای داده، در رهگذر خونِ ما روان ساخته‌ای، [به گونه‌ای که] اگر ما از او غفلت ورزیم، او از ما غافل نمی‌مانَد، و اگر او را فراموش کنیم، او هرگز ما را از یاد نمی‌بَرد، و همواره ما را از کیفرِ تو ایمن می‌سازد، و از جز تو، می‌ترساند. اگر آهنگ کارِ زشتی را داشته باشیم، دلیرمان می‌سازد، و چون به انجامِ کار نیکی همّت گماریم، از آن ترسانیده، بازمان می‌دارد. گناهان و خواهش‌های نفسانی را بر ما عرضه می‌کند، و در قلمرو باورهایمان، ما را به دام شبهه‌ها می‌افکند. اگر وعده‌ای دهد، به آن وفا نمی‌کند، و اگر به آرزوها سرگرم سازد، آنها را بر نمی‌آورَد. اگر نیرنگ و فریبش را از ما برنگردانی، گمراهِمان می‌کند، و اگر ما را از دام فسادش نگاه نداری، می‌لغزاند. (صحیفه سجادیه، ۹۰)

بند دوم: مقاصد بینشی

- **شناخت و معرفت خداوند**

و انوار معرفتت را بر ما کامل کن (مناجات زاهدین) و من را از کسانی قرار بده که در معرفتت بهره بیشتری نصیب آنان گشته است، (مناجات مریدین) و من را افرادی قرار ده که به شناخت خود مخصوصشان کردی (منجات محبین) و مرا از کسانی قرار ده که سینه‌هایشان با تحقّق معرفت، گشوده شده(مناجات عارفین)

بند سوم: مقاصد گرایشی

- **زدودن شک و تردید قلبی و رسیدن به اطمینان قلبی**

از برابر دیدگان دل‌هایمان، ابرهای شک و دودلی را بزدای و از قلوبمان پرده‌های تردید و کوردلی را کنار زن و از نهادمان باطل را نابود کن و حق را در درون ما استوار گردان، زیرا شک‌ها و گمان‌ها، بارور کننده‌ی آشوب‌ها و تیره کننده‌ی عطاها و بخشش‌های زلال و بی‌آلایش‌اند(مناجات مطعین لله) ما را از کسانی قرار ده که پرده از دیدگانشان برداشته شده و تاریکی دودلی از باورها و درون‌هایشان دور گشته و خلجان شک از دل‌ها و باطنشان بیرون رفته (مناجات عارفین) و مرا از کسانی قرار ده که جانشان با رجوع به رب الارباب، اطمینان یافته(مناجات عارفین)

- **شرح صدر یافتن**

و سینه‌هایشان با تحقّق معرفت، گشوده شده

- **تصفیه قلب از محبت دنیا**

محبّت دنیا را از دل ما بیرون بر، آن‌گونه که درباره نیکوکاران برگزیده‌ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به‌حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرامی‌ترین گرامیان)مناجات زاهدین)

- **رویت، نظر و ملاقات قلبی با خدا**

و دیدارت نور دیدگان من است و وصالت آرزوی وجودم؛. . . و دیدارت نیاز من(مناجات مریدین) و مرا از کسانی قرار بده که برای تماشای جمالت برگزیدی(مناجات محبین). . . و نعمت نگاه به جمالت را عطایش کردی(مناجات محبین) و مرا از کسانی قرار ده که دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به‌سوی جمال خود روشن نمودی(مناجات متوسلین) و سوز سینه‌ام را جز وصل تو خنک نکند و آتش درونم را جز دیدارت خاموش نگرداند و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به جمالت آب نریزد و آرامشم بدون نزدیک شدن به حضرتت برقرار نشود(مناجات مفتقرین) و دیدگانشان با نظر به محبوبشان، روشنی گرفته(مناجات عارفین) دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن کن (مناجات زاهدین)

- **لذت بردن از مناجات با خدا**

خدایا ما را بر کشتی‌های نجاتت سوار کن و از لذّت راز و نیازت بهره‌مند گردان و به حوض‌های دوستی‌ات وارد کن؛ و شیرینی محبّت و مقام قربت را به ما بچشان، کوششمان را در راهت و همّتمان را در طاعتت قرار ده(مناجات مطیعین) برای راز و نیازت انتخاب کردی و جدا کردی از او هرچه که او را از تو جدا می‌کند(منجات محبین) اینان به‌وسیله تو به لذّت مناجاتت دست یافتند و از حسن عنایت تو دورترین مقاصدشان را به چنگ آوردند(مناجات مریدین)

- **عاشق و محب خدا شدن**

و مرا از کسانی قرار ده که نهادشان را از محبّتت آکنده ساختی و از زلال چشمه‌ات سیرابشان نمودی(مناجات مریدین) معبودم، کیست آن‌که شیرینی محبّتت را چشید پس به‌جای تو دیگری را برگزید؟ (مناجات محبین) خدایا، ما را از کسانی قرار ده که برای قرب ولایتت برگزیدی و برای دوستی و محبتت خالص نمودی و برای دیدارت مشتاق کردی. . . و دلش را برای عشقت تهی نمودی(مناجات محبین) از تو می‌خواهم مرا از کسانی قرار دهی که بهره بیشتری از تو دارند و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود ساخته‌اند و از دوستی‌ات سهم برجسته‌تری به آنان رسیده (مناجات مریدین) و دل‌هاشان به عشقت آویخته(مناجات محبین) از تو می‌خواهم دوستی خودت را و دوستی آنان‌که تو را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به میدان قرب تو می‌رساند و اینکه خودت را نزد من محبوب‌تر از دیگران قرار دهی و عشقم را به وجودت راهبر به‌سوی خرسندی‌ات گردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده از نافرمانی‌ات سازی، خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منّت گذار و به من به دیده عشق و عاطفه بنگر و رویت از من متاب و مرا نزد خود از اهل خوشبختی و بهره‌مندی قرار ده، ای اجابت کننده، ای مهربان‌ترین مهربانان. (مناجات محبین) معبودم، ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به سویت در بوستان‌های سینه‌هایشان استوار و پابرجا شده است و سوز عشقت در کانون دل‌هایشان برافروخته، از این روی به آشیانه اندیشه‌های والا جای گیرند و در گلستان قرب و مکاشفه‌ات خوش‌گذرانی می‌کنند و از حوض‌های محبّتت با جام ملاطفت می‌نوشند(مناجات عارفین) و چهره‌های ما را به انوار محبتت پرفروغ گردانی(مناجات معتصمین) طعم عشقت چه خوش و شربت مقام قربت چقدر گوارا است(مناجات عارفین) و در سرزمین دل‌های ما درختان محبتت را بکار (مناجات زاهدین)

بند سوم: مقاصد رفتاری

- **دست کشیدن از معاصی**

و از گناهان بازدارنده‌ام باشی، به مهر و رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان. (مناجات شاکین)

- **پوشاندن عیوب دیگران**

از تو می‌خواهم به رسایی حکمتت و نفوذ اراده‌ات که مرا جز جود و بخشندگی‌ات در معرض چیزی قرار ندهی و هدف فتنه‌ها نگردانی و بر ضد دشمنانم یاور باشی و پرده‌پوش رسوایی‌ها و عیوبم گردی و از بلا نگهدار (مناجات شاکین)

- **بیان و انتشار نعمت ها**

پشت هم رسیدن نعمت‌هایت مرا از گسترش خوبی‌هایت درمانده کرد(مناجات شاکرین)

- **شکرگزاری**

عبودم، پیاپی آمدن نیکی و محبّتت، برپاداشتن سپاست را از یاد من برد و فراوانی بخششت، مرا از شمارش ستایشت درمانده ساخت و در پی هم آمدن احسانت، مرا از یاد اوصاف نیکت بازداشت. . . . عطاهای انبوهت زبانم را از شمردنش ناتوان ساخته و نعمت‌های فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه کرده تا چه رسد به بررسی کامل آن‌ها؛ سپاسگزاری‌ات چگونه برای من امکان‌پذیر است درحالی‌که

سپاسم نسبت به تو خود نیازمند سپاسی دیگر است، پس هر نوبت که گفتم تو را سپاس، بر من واجب شد که به خاطر آن باز بگویم تو را سپاس، (مناجات شاکرین)

- **سرعت در اعمال خیر**

معبودم، مرا از گزیدگان بندگان خوبت قرار ده و به شایستگان نیکوکار ملحق کن، هم آنان‌که به کار نیک و جوانمردی پیشی گرفتند و به‌سوی خیرات شتافتند و برای کارهای خداپسند ماندگار تلاش کردند و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند، همانا تو بر هر چیز توانایی و به اجابت دعا سزاواری، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

- **به یاد خدا بودن و ذکر خداوند را بر لب داشتن**

خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نهان و آشکار و شب و روز و پیدا و پنهان و در خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر پنهان مأنوس ساز و به عمل پاکیزه و کوشش پسندیده بکار گیر و به میزان کامل پاداشمان ده(مناجات ذاکران)

نتیجه گیری

معارف توحیدی معصومین علیهم السلام بهترین، جامع ترین و واقعی ترین راه نما، راه بر و جهت دهِ فعالیت های تربیتی، و هم چنین راه گشای بسیار مناسبی برای حل مشکلات و مسائل تربیتی است، از این رور مراجعه این معارف ناب و زلال جهت کاربردی کردن آنها و در معرض استفاده عملی نمودن آنها امری ضروری است. و از لذت بخش ترین این معارف، مناجات ها و ادعیه است که مناجات خمس عشر از متنوع ترین و کوتاه ترین آنهاست. از این رو با دقت در اهداف و مقاصد تربیت اخلاقی در این مناجات روشن میشود که در حوزه بینشی هم مقصد ابتدائی و هم مقصد نهایی، شناخت حصولی و حضوری و هرچه بیشتر و کاملتر به خداوند متعالی است، و این معرفت همان سرچشمه اصلی و زلال تربیت اخلاقی در

حوزه گرایش و رفتار است بنابراین هر مقدار این معرفت وسیع شود، تربیت عاطفی و رفتاری توحیدی تر میگردد. اما در مقاصد گرایشی همه مقدمه است برای عاشق خدا شدن، یعنی غایت القصوی و آن دُرّ گرانقیمت گرایش ها در تربیت اخلاقی شیقته و محبّ واقعی خدا شدن است، که این شیدایی و عشق از طرفی محصول معرفت الهی و از جهتی دیگر شدیدا بر بخش رفتاری انسان تاثیر گذار بوده و رفتاسازی توحیدی مینماید. این عشق و محبت بیشتر جنبه موهبتی و تفضل الهی دارد که البته تلاش علمی و عملی برای بدست آوردن آن، خود زمینه ساز مهمِ بهره مندی و متنعم شدن از این جان مایه توحید است. بنابراین جه نیکوست همه دغدغه مندان تربیت اسلامی برای تعالی و سعادت خود و متربیان بر قلب و دل جهت شکوفایی و فوران یافتن این عشق الهی تمرکز نمایند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد . . . . .

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ه. ق
۲. باقری، خسرو، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹
۳. باقری، خسرو، تربیت دینی و تربیت اخلاقی: تفاوتها و شباهت ها، تربیت اسلامی، ویژه تربیت اخلاقی، نشر تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۷۹
۴. داودی، محمد، تربیت اخلاقی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۰
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اهداف تربیت در اسلام، سمت، تهران ۱۳۷۶
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، نشر دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق
۷. رفیعی، بهروز، مربیان بزرگ مسلمان، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۲
۸. سند تحول بنیادین اموزش و پرورش، ۱۳۹۱
۹. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، نشر سپهر، تهران، ۱۳۷۵
۱۰. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، نشر آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴
۱۱. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغۀ، نشر عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۴ ه. ق

۱۲. علی بن حسین علیه السلام، حر عاملی، محمد بن حسن، الصحیفه السجادیه الثانیه، و کریم، فارس حسون، مؤسسۀ المعارف الإسلامیۀ، قم، ۱۴۲۱
۱۳. علی بن حسین علیه السلام، صحیفه سجادیه، مترجم، خلجی، محمدتقی، نشر صحیفه خرد، قم، ۱۳۸۶
۱۴. علی بن ابی‌طالب(علیه السلام)، حسین شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغۀ، مترجم، انصاریان، نشر دار العرفان، قم
۱۵. قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، نشراسوه قم
۱۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، نشر دار الکتب العلمیۀ، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، بیروت، ۱۴۳۰ ه. ق
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، نشر دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۷
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، سجاده های سلوک، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره، قم، ۱۳۹۰
۲۰. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، نشر علمیه اسلامیه، تهران، ۱۴۱۳ ه. ق
۲۱. یالجن مقداد، تربیت اخلاقی در اسلام، ترجمه بهروز رفیعی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، ۱۳۹۵